

# ارتش در جمهوری اسلامی وسپاه پاسداران

امیرفیض- حقوقدان

تحقیرواهانت به ارتش جمهوری اسلامی بوسیله حسن عباسی یکی از عوامل آخوندی وابسته به سپاه پاسداران، موضوع این تحریر است.

\*\*\*

<ارتش آماده است، و از من بیش از هرکسی طرفداری میکند. ما با نظامیان تماس داریم و میدانیم>

<اگر علامت داده شود آنها آماده هستند>

(از سخنان اعلیحضرت در مصاحبه با ایندپندنت لندن)

## اختلاف ارتش و سپاه پاسداران

اختلاف ارتش با سپاه پاسداران یک اختلاف فلسفی و از مراتب مذهب تشیع است؛ و اشاره حسن عباسی میتواند کلید توجه برای ورود به علت و فلسفه اختلاف مزبور قرارگیرد.

\* مهمترین رکن اختلاف، امر فرماندهی بر

نیروهای نظامی و فرمان جنگ و جهاد است. در تشیع هم فرمان جهاد و تشخیص لزوم جهاد و هم فرماندهی بر عملیات نظامی بر عهده مجتهد اعظم است که رهبری جامعه تشیع را بر عهده دارد. پادشاه در امر جهاد و فرماندهی به نیابت آخوند اعظم عمل میکند کاری که در تمام دوران قاجار جاری و ساری بوده است. این قاعده، بر عکس فقه اهل تسنن است که پادشاه استقلال عمل بر ارتش دارد.



\* رکن دیگر اختلاف برمیگردد به تشخیص مرجع تقلید در ایجاد تکلیف برای شرکت در جهاد بدین معنا

که مرجع هرکس را لازم دید برای خدمت در جهاد احضار میکند و نظام وظیفه و خدمت سربازی و امثال آنها که در ارتش منظم معمول است در باب جهاد متصور نیست و به همین دلیل بزرگترین مشکل و مانع در ایجاد

ارتش منظم بوسیله رضاشاه بزرگ، همین مسئله نظام وظیفه و خدمت سربازی بود که با مقاومت سخت روحانیون مواجه شد.

تصویب قانون ۳۶ ماده ای نظام اجباری که در شانزدهم خرداد سال ۱۳۰۶ به اجرا گذاشته شد با دشواری های زیادی روبرو شد که از آن جمله در اراک - قم - اصفهان - شیراز مردم به رهبری چند نفر از روحانیون بخصوص مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی مجتهد با نفوذ اصفهان ایستادگی کردند. ....<sup>۱</sup>

(بنیاد های ملی شهریاری رضاشاه کبیر)

در اسناد سیاسی دوران رضاشاه به تلگرافی اشاره شده که موضوع و پاسخ دولت به آن نشان از شدت وحدت مخالفت با ارتش منظم که مخالف فقه تشیع بود را نشان میدهد.

در تاریخ ۱۷ آبانماه سال ۱۳۰۶ روحانیون مخالف قانون نظام وظیفه در تلگرافی اعتراض خود را در عبارت زیر اعلام کرده اند:

>اگر عقلای عالم بخواهند برای خرابی مملکت و اختلاف بین دولت و تنفر احاد مملکت و از بین رفتن مذهب و زراعت و کسب ترتیبی بدهند بهتر از جعل (وضع) چنین قانونی بدست نخواهد آورد.<

پاسخ دولت رضاشاه به تلگراف تند و اهانت آمیز چین بوده است:

**>سزاوار نیست مردم شهری در بستری شرافتی بخوابند و مردم ده را سپربلای خود کنند، "تکلیف**

**و اعدو الهی ما استطعتم من قوه" بر هر شهری و غیر شهری وارد است هر ملتی باید آداب استعمال**

**سلاح های امروزی مانند توپ و تفنگ و طیاره را بیاموزد والا مبتدل خواهد شد<**

علیرغم مخالفت ها و بست نشینی ها و اقدامات هماهنگ روحانیون، مجلس قانون نظام وظیفه را تصویب و به مورد اجرا گذاشت و تنها به مراجع تقلیدی که صاحب فتوا و رساله شناخته میشدند از خدمت سربازی معافیت داده شد و روحانیون همانند دیگر جوانان و مشمولین به خدمت سربازی رفتند.

### یادی از سکولار

همین مورد وضع قانون نظام وظیفه و تشکیل ارتش منظم در سال ۱۳۰۶ نشان میدهد که قانون اساسی مشروطه در اصول ۵۰ و ۵۱ به اصل فرماندهی شاه بر نیروهای مسلح و اعلام جنگ و صلح تصریح مستقل داشته است در حالیکه اصول مزبور خلاف شرع و فقه تشیع است یعنی نص قانون اساسی و متمم آن سکولار تنظیم شده و قانون نظام وظیفه که بهمت رضاشاه کبیر بتصویب و اجرا رسید زمینه های حقوقی اصول ۵۰ و ۵۱ را مستحکم ساخت و به عبارت روشن تضاد اجرائی اصول ۵۰ و ۵۱ با فقه تشیع را از جریان حضور در محظورات قانونی خارج ساخت.

<sup>۱</sup> - خاطره ای از شورش و سرو صدای طلبه ها و بازاری های تبریز پس از ۲۱ آذر هست که در سفری که شاهنشاه به تبریز کردند این سرو صدا ها ادامه داشت ولی آیت الله شریعت مداری در زمانی که به حضور شاهنشاه رسید خم شد و سردوشی های شاهنشاه را بوسید و درخواست کرد طلبه و ملا ها از رفتن به صف نظام وظیفه معاف شوند که بعد ها تسهیلاتی در این باره اعمال شد. ح-ک

این اهمیت را نباید فراموش کرد که قانون نظام وظیفه اولین اقدام قانونی است که مسير تصویب قوانین آزاد را برای مجلس شورای ملی فراهم ساخت و دوران سکولاریسم قانونی را مفتوح ساخت.

### درس میهن پرستی و شاه دوستی

قانون نظام وظیفه سبب شد که جوانان کشور که به خدمت نظام اعزام میشدند در حد وسیعی باروحیه وطن پرستی و احترام به پرچم شیروخورشید نشان ایران آشنا و از همه مهمتر اعتقاد سنتی و فرهنگی آنان به شاه و سلطنت و ایرانیت درمجرای بیداری و پرورش روزانه قرارگیرد. لباس متحد، زندگی گروهی، شرکت در کلاسهای درس و تعلیمات نظامی و مانورها آموخته های دوران سربازی و امثال آنها زمینه هائی است که حب وطن را در جوانان ایرانی که اساس کار و تربیت یک نظامی است تا بیدار و ایران و شاه و پرچم، یک واحد اعتقادی و غیرقابل تجزیه شناخته شوند و سوگند وفاداری به شاه و میهن و پرچم گوهری بود که با قانون نظام وظیفه به خون و روح ایرانی تزریق گردید.

### قانون ارتش منظم و شورش ۵۷

ملاحظه شد که قانون نظام وظیفه و ارتش منظم بفرماندهی شاه با فقیه تشیع ملاک عمل روحانیون ایران مخالف بود و لاجرم ارتشی که بموجب آن قانون بوجود آمده بود نمیتوانست واجد مشروعیت در جمهوری اسلامی باشد. جمهوری اسلامی بنا بر پیشنهاد آخوند طالقانی و مجاهدین خلق در مقام انحلال ارتش شاهنشاهی ایران بود ولی ملاحظات سیاسی و همجواری با کشورهای عربی مانع اتخاذ این تصمیم شد لذا با کشتار فرماندهان ارتش شاهنشاهی و تشکیل موازی سازی یعنی ایجاد سپاه پاسداران، ارتش را از شهرها خارج و در کوه و بیابان نزدیک مرزها ساکن ساختند تا احتمالاً از اقداماتی که همواره از آنها انتظار است مصون مانند.

ماهیت سپاه پاسداران جمهوری اسلامی موازی با ماهیت قشون بنیچه (قشون محلی) است که از ۱۵۰ سال قبل از مشروطیت شالوده ارتش ایران را تشکیل میداده است مقصود طرز عمل سپاه و فرماندهان آن است که همانند فرماندهان بنیچه در عین حالت سربازی به فتنه گری و غارت اموال مردم و کشور مشغول بوده اند.

لرد کرزن نوشته است «قشون ایران بی جیره و مواجب وزیر فرمان خان های محل که آنها از هردشمنی برای مردم خطرناکتر بوده اند و بهر کجا که میرسیدند آنجا را غارت میکردند».

با این تفاوت که سپاه پاسداران با دخالت در همه امورات اقتصادی و ایجاد گمرک های مستقل همه کشور را میچاپد.

### حاشیه

در مرداد سال ۱۳۶۰ رساله ای تحت عنوان ملی و ارتش شاهنشاهی از انتشارات سنگرم منتشر شد در آن رساله به سابقه ارتش ایران در دوران قبل از قانون نظام وظیفه و نظرمورخان خارجی و داخلی درباره آن ارتش پیاده شده است که علاقمندان میتوانند از آن استفاده کنند. (پایان)

**هدف از عرض آن مقدمه**

هدف از عرض اشارات بالا، اثبات مدارج فلسفی دربیانات اعلیحضرت (رضا شاه دوم) نسبت به ارتش و ارتشیان در مصاحبه ایندبندنت است. گرچه ملاحظات و بیانات کنونی اعلیحضرت فاقد گره های محکمی است که بتواند بار اعلااماتشان را در مصاحبه با ایندبندنت بکشد، ولی از آنجا که فرهنگ سنتی و قانونی ایرانیان از نقش شاه در ارتش و زمینه های انحصاری با فرماندهی شاه در ارتباط با ملت نقش پررنگ و یک نشدنی دارد لذا میتوان و باید گفت اعلیحضرت که خود را وابسته به ملت میدانند باید به حمایت از ارتشیان که قلبا به ایشان وفا دارند حداقل بیاناتی بفرمایند.

سخن یکی از بزرگان است که گفته >دوستان شما کسانی هستند که بهنگام گرفتاری شما، شمارا تنها نگذارند<

اعلیحضرت دربیاناتی فرموده اند: >نهادسلطنت و نیروهای مسلح از حمایت واقعی مردم برخوردارند<.

(سنگر ۱۵ مهرماه ۷۳)

قابل تعجب است که این موقعیت حساس و زود گذر معطوف به توجه اعلیحضرت نشده و از نیروهای ارتش که در حمایت واقعی مردم قرار دارند حمایتی نگردیده است.



